

نیاز اقتصاد ایران

«تعادل» روند معاملات بورس های منطقه ای را بررسی می کند

روز ناخوش

بورس ایران و عربستان

صفحه ۴

صفحه ۲

چرا فشار حداکثری با واقعیت های اقتصاد همخوان نیست؟

رویا فروشی با فروپاشی اقتصادی

لژوماً به معنای تحقق سناریوی فروپاشی نخواهد بود. بررسی این مساله به شناخت ظرفیت های داخلی اقتصاد، محدودیت های سیاست فشار حداکثری و پیامدهای فرامرزى جنگ نیاز دارد. اسكات بسنت، وزیر خزانه داری امریکا که از چهره های اصلی سیاست فشار اقتصادی علیه ایران به شمار می رود، حدود دو هفته پیش از رسیدن موعد اعلام شده از فروپاشی اقتصاد ایران در این بازه زمانی سخن گفته بود. با قرار سیدین موعده... **صفحه ۲ را بخوانید**

ارزی، همچنان به فعالیت خود ادامه می دهد و شبکه تأمین کالاهاى مورد نیاز کشور برقرار مانده است. اما مساله فقط تحقق نیافتن یک پیش بینی نیست ادعای فروپاشی قریب الوقوع اقتصاد ایران، در کنار فشار های مالی و تجاری امریکا، این پرسش را مطرح می کند که سیاست گذار امریکایی تا چه اندازه پیچیدگی های اقتصاد ایران و ظرفیت های سازگاری آن با محدودیت های طولانی مدت را در محاسبات خود لحاظ کرده است، از سوی دیگر،

پس از آنکه جنگ علیه ایران نتوانست به نتیجه مورد انتظار امریکامنتهی شود ادبیات تهدید علیه اقتصاد کشور بار دیگر شدت گرفت. این بار اسكات بسنت، وزیر خزانه داری امریکا مدعی شد که اقتصاد ایران ظرف دو هفته آینده فرو خواهد پاشید؛ پیش بینی ای که با رسیدن موعد اعلام شده، به تحقق نرسید. این ادعا در شرایطی مطرح شد که اقتصاد ایران، با وجود تحمل فشار تحریم ها، محدودیت های تجاری، آسیب های ناشی از جنگ و کاهش درآمدهای

ای بسا فقدان چنین شخصیت بی نظیری که بیش از هفت دهه عمر کاری و حرفه ای و لحظه لحظه زندگی شخصی خود را از زمانی که خود را شناخت، صرف پیشرفت و توسعه این سرزمین و کاهش رنج و درد این مردم کرد، در هر جامعه ای بسیار بیش از این برجسته می شد و سوت کارخانه ها در کشور برای ادای احترام به او به صدا در می آمدند و مرگشان نقطه عطفی قلمداد می شد برای نگاه دوباره به خود و راهی که اقتصاد و صنعت و نظام حکمرانی در مسیر

چند روز از گذشت مهندس محسن خلیلی می گذرد. کارافین و صنعتگر تشکل گرای عاشق ایرانی که قددا نشی بی شک ضایعهای بزرگ برای میهن مان در این روزهای سخت و خطیری است. واکنش فعالان و تشکل های اقتصادی و صنعتی و بعضی از رجال سیاسی هر چند قابل توجه و تقدیر است، اما شاید هنوز نه در حد و اندازه های جایگاهی بدیدل این بزرگرمرد.

این سخن نه از منظر نیاز و توقع چنان رفتگانی به چنین تجلیل ها و گرامیداشت هایی، بلکه پیام به کسانی است که در گوشه گوشه این سرزمین خست بر خست می نهند و ایران عزیزمان را می سازند. از کشاورزان و معدنکاران و کارگران پروژه های عمرانی و صنعتی و... که در سخت ترین شرایط و دور افتاده ترین نقاط میهن مشغول کارند تا فعالان اقتصادی و صنعتی که در محیط های کارخانه ای و نهادهای حرفه ای و تشکلی و... بار سنگین ناملایمات شدید تحریم ها و جنگ و فضای کسب و کار نامناسب و... را بر شوش می کشند تا مانع تعطیلی بنگاه ها و بیکاری کارکنان و کمبودهای کالایی و خدماتی و... شوند. مهندس خلیلی در دلنوشته ای از زندگی خود

اهمیت «کار» را چنین شرح می دهد: «هر انسانی را شاید بتوان در مفهومی «معنا» کرد. یکی را در «اعتراض» و «عصبان» و دیگری را در «طاعت» و «پیروی». یکی را در «جود» و «بخشش» و دیگری را در «خست» و «تنگ نظری». یکی را در «بطالت» و «زومرگي» و دیگری را در «تلاش» و «خلاقیت» و... و من اما خود را در مفهومی «کار» معنای کنم. «کار» در معنای «ساختن» و «خلق کردن». برای من «کار»

معنای «بودن» و دلیل «بودن» است. دلیل حیات و تداوم آن. چنانکه از ۱۲ سالگی در کارگاه کوچکم در محوطه خانه پدری با ابزار ای که گرد آورده بودم در حد بضاعت محصولات مختلف فلزی می ساختم. آری سلامت و معیشت و جامع فلزی در گروی کار است، فراسوی ساخته های طبیعت آنچه از نظر می گذرد ایلمانی که در اختیار ماست و حتی ارزشی که تجلی می کند حاصل و زاییده «کار» است.

مهندس خلیلی عالی ترین شکل «کار» و «ساختن» را در قالب «تولید صنعتی» معنا می کرد. قالبی که از طریق تضمین حقوق و آزادی های اساسی در بازاری آزاد و رقابتی و با دولت پاسخگو و شهروند مسوول فراهم می آید. «پرسد ساختن» و کاربرد «صرف شدگی» و نه «برآمده و محصول خلاقیت و اراده ادانگس» و ایرانی و سازوکار دمکراتیک و درهم تنیده با زندگی اجتماعی سبب بی تفاوتی بعضی از هموطنانمان به اثرات ویرانگر جنگ تجاوز کارانه اخیر و تهدید نابودی زیر ساخت های اقتصادی شده است.

سوی دیگر ماجرا یعنی ضعف ساختاری حکمرانی اقتصادی در برقراری محیط مناسب برای کار و فعالیت احاد اجتماعی، مساله «روای ایرانی» است. متأسفانه باید پذیرفت روای بسیاری از ایرانیان همچون حاکمان با نکت گر خورده و بر ساخته «توهم نفتی» است. اینکه به واسطه منابع نفتی و گازی و معدنی و... ملتی ثروتمندیم و کمتر نیاز به کار و تلاش داریم و کافی است این منابع را درست و عادلانه تقسیم و توزیع کنیم و... دولتی به متکی به درآمدهای نفتی و شبه نفتی است و برنامه های تخیلی می نویسد (چشم انداز ۱۴۰۴ و قدرت اول منطقه شدن و رشدای ۸ در صدی برنامه های توسعه و...) و مردمی که وجود منابع طبیعی را برای توسعه یافتگی کافی می پندارند و رویابافی می کنند، دوسویه توسعه نایافتگی اند. ایمن، آن دو گانه ای بود که روح و روان محسن خلیلی را بسیار می آزد و تمامی عمر در تلاش بود تا از طریق تشکل گرای و ارتقای آگاهی ها فردی در قالب کار جمعی، زبان مشترک بین فعالان اقتصادی و دولت را بیابد و «تولید ثروت» را جایگزین «توزیع ثروت» در روای ایرانی کند تا «از گذشته رهشویم و کار کنیم، کار، کار، کار» (انتوان چخوف - باغ البالو)

آیا در فقدان چنین بزرگمردی نباید به خاست سوت کارخانه ها به صدا در آورد و نه زبان و کلام، بلکه در عمل و ایجاد فضای عشق و صلح و آشتی و نه جنگ و تضاد و سنیز در داخل و خارج این سرزمین به و ادای احترام کرد و بسترهای پیشرفت و توسعه ایران عزیز را ساخت، آنچه که محسن خلیلی عاشقانه و دردمنده در مسیر تحقق آن کوشید؟



حسین حقگو

«تعادل» بررسی می کند

چیتگر قربانی کم آبی یا ضعف مدیریت؟



یادداشت-۴

تغییر مسیر نقد ینگی با گزارش های مالی



هابیل خاوری

مورانتظار در دسترس قرار نگرفته است؛ موضوعی که خود می تواند بر میزان اقبال سرمایه گذاران بیفزاید. گزارش های مالی تنها ابزاری برای ارزیابی عملکرد شرکت ها نیستند، بلکه می توانند جریان نقدینگی را نیز به سمت صنایع و نهادهای متفاوت هدایت کنند. انتشار گزارش های مالی شرکت ها می تواند نشان دهنده تغییر در عملکرد شرکت ها باشد. در صورتی که گزارش های مالی شرکت ها نشان دهنده کاهش در سودآوری و چشم انداز کمتری داشته باشند، این می تواند به کاهش قیمت سهام و کاهش تقاضا در بازار وجود دارد. ممکن است بخشی از جریان پول از نمادهایی که تحت فشار قرار دارند، به سمت شرکت هایی حرکت کند که گزارش های قوی تری منتشر کرده اند. حتی این احتمال وجود دارد که بازار برای برخی از این شرکت ها نسبت به قیمت بهر آمد بالاتری را نیز بپذیرد، زیرا در نهایت، انتظارات از سودآوری و چشم انداز کمتری در شرکت ها در تصمیم گیری سرمایه گذاران نقش مهمی دارد.

در فاصله باقی مانده تا تشدید تحولات سیاسی و انتخاباتی، فرصت محدودی برای اثرگذاری گزارش های مالی بر معیشت وجود دارد. این گزارش ها می توانند در همین بازه، چه برخی صنایع و نهادهای تغییر دهند و مسیر تازه ای برای جریان نقدینگی ایجاد کنند. بنابراین، تغییر احتمالی رفتار بازار در روزها و هفته های آینده را نباید صرفاً به تحولات سیاسی یا نوسانات کوتاه مدت شاخص ها نسبت داد.

در کنار مسائل سیاسی و بنیادی، مزه های مربوط به تغییر استانداردها گزارش دهی برخی شرکت ها نیز اهمیت پیدا کرده است. موضوع مورد بحث، اصلاح بخشی از آیین نامه های حسابداری و الزام شرکت ها به شناسایی اختلاف ارزش سرمایه گذاری های کوتاه مدت به عنوان سود است؛ حتی در شرایطی که دارایی مربوطه فروخته نشده و سود آن هنوز به جریان نقدی واقعی تبدیل نشده باشد.

بر اساس این رویکرد، شرکتی که دارایی هایی مانند سهام یا دارایی های ارزی در اختیار دارد و ارزش این دارایی ها نسبت به بهای تمام شده افزایش یافته است، ممکن است ملزم شود این اختلاف ارزش را در گزارش مالی خود به عنوان سود شناسایی کند. چنین تغییری می تواند تصویر سودآوری شرکت ها را درگون کند و اطلاعات بیشتری در برهه ارزش دارایی های آنها در اختیار سهامداران و تحلیلگران قرار دهد. بدون تردید، افزایش شفافیت مالی و نزدیک تر شدن ارزیابی بازار به ارزش دارایی های شرکت ها، اتفاق مثبتی است. با این حال، شناسایی حسابداری سود یا تحقق نقدی آن تفاوت دارد و همین تفاوت، ابهامات مهمی را ایجاد می کند... **ادامه در صفحه ۴**

یادداشت-۳

توهم انسداد مرزهای زمینی ایران



علی شریعتی

چرا کریدورهای زمینی با تحریم های واشنگتن قفل نمی شوند؟ ادعای اخیر مقامات وزارت خزانه داری امریکا مبنی بر تلاش برای تحریم مرزها و مبادی مرزی کریدورها و مبادی مرزی زمینی ایران، موج تازه ای از مباحث اقتصادی و سیاسی را پدید آورده است. می توان تصور کرد که هر چند واشنگتن توان قفل و هوانوردی ایران نشان داد ابراهای تحریمی غرب در ایجاد بن بست فراگیر ناتوان بوده اند، معتقدم

بستن مرزهای سرزمینی کشور با وسعت ۱۶ میلیون کیلومتر مربع و همسایگی مستقیم با بیش از ۱۰ کشور، عملاً ناممکن و بیشتر یک ابزار روان شناختی برای تشدید انتظارات تورمی است. با تحلیل واقعیت های میدانی ژئواکونومیک ایران می توان تصریح کرد که هر چند واشنگتن توان قفل کردن مبادی تجاری کشور را ندارد، اما به دنبال ایجاد «دست انداز» و افزایش هزینه های مبادلات ایران است؛ چهره ای که تنها با دیپلماسی فعال منطقه ای و تکیه بر پیوندهای ارگانیک مرزی خشن خواهد شد. طی روزهای اخیر، اظهارات تکراری و ادعاهای مقامات وزارت خزانه داری امریکا در خصوص طراحی سناریوهایی برای محاصره مرزهای زمینی و قطع شریان های مواصلاتی ایران بازتاب های رسانه ای فراوانی به همراه داشته است. واشنگتن که پیش تر در پروژه انسداد هوایی کشور به نتایج دلخواه خود دست نیافت، اکنون کوشیده است خط جدیدی از فشار اقتصادی را با ادعای قطع مسیرهای ترانزیت زمینی بگشاید. در نگاه نخست، به نظر آگاه به

مبانی اقتصاد سیاسی درمی یابد که بخش عمده ای از این قبیل مواضع، پیش از آنکه قابلیتی در عرصه اجرا داشته باشد، پروژه ای با هدف بازی با «انتظارات تورمی». تا من جلوه دادن بازارهای مرزی و ایجاد تکانه های روانی در نرخ ارز است. با این حال، باید ابعاد این رویکرد خصمانه در اتاق فکر تحریم و پیامدهای عینی آن در زمین بازی خارجی به دقت سنجید. طرفه های غربی نشان داده اند که باوری به بازی برد-برد یا ابزارهای منطف دیپلماتیک ندارند و راهبرد اصلی آنان کشاندن فشار حداکثری به سفره معیشت و جریان تأمین کالاها ی اساسی مردم ایران است. اما آیا باز منظر ژئواکونومی و واقعیت های عینی نقشه، انسداد یک کشور پهناور ممکن است؟

پاسخ صریح و کارشناسی یک فعال اقتصادی به این پرسش منفی است. کشوری با گستره بیش از یک میلیون و ۶۶۸ هزار کیلومتر مربع که در

یادداشت-۲

چگونه بحران یمن معادلات منطقه ای را تغییر می دهد؟



حسن هانی زاده

در پی تشدید تنش ها در یمن و واکنش های راهبردی انصارالهر به حملات ائتلاف سعودی، خاورمیانه در آستانه مرحله ای حساس و خطرناک قرار گرفته است. تغییر موازنه قدرت میدانی، عربستان سعودی را بر آن داشته تا با گسترش دامنه بحران، پای بازگزار منطقه ای و فرامنطقه ای را به میان بکشد، رویکردی که تحلیلگران معتقدند نه تنها زیرساخت های اقتصادی ریاض را به خطر می اندازد، بلکه با ایجاد یک جنگ نیابتی گسترده می تواند سایه ای سنگین بر چشم انداز مذاکرات ایران و امریکا و ثبات کلی منطقه بیفکند. تحولات اخیر منطقه پس از واکنش های مقتدرانه انصارالله به حملات بی امان ائتلاف سعودی، صفحه جدیدی از تنش ها را گشوده است. جنگ یمن و عربستان که سال ها است فرسایشی شده، اکنون به دلیل تشدید حملات هوایی عربستان علیه زیرساخت های حیاتی در شهرهای ساحلی یمن، وارد مرحله ای حساس و تعیین کننده شده است. این وضعیت شکننده، صرفاً یک رویارویی دو جانبه نیست، بلکه رقابتی است که با کشمیری های نظامی و سیاسی، کل منطقه را به سمت و سویی متفاوت سوق داده است.

واقعیت آن است که عربستان سعودی با بهره گیری از کمک برخی کشورهای منطقه ای، سلسله حملات گسترده ای را علیه زیرساخت های یمن ترتیب داده تا بلکه بتواند از این طریق فشار میدانی را بر انصارالله افزایش دهد.

با این حال، ارتش یمن و انصارالله با اتخاذ رویکردی تهاجمی تر و تمرکز بر محاصره عملیاتی «تنگه باب المندب» و پاسخ های کوبنده به تاسیسات راهبردی عربستان (از جمله فرودگاه بین المللی «ملک خالد» در ریاض) معادله را تغییر داده اند.

آنچه امروز در صحنه نبرد دیده می شود، پیچیدگی فراینده شرایط است؛ به طوری که آمار تلفات نظامیان در هر دو سو افزایش یافته و وضعیت به نقطه جوش رسیده است. به نظر می رسد راهبرد فعلی عربستان، تشدید عاصمه بحران است. هدف ریاض از این سیاست، کشاندن مستقیم دیگر کشورها به معرکه جنگ با یمن است تا شاید از این طریق، وزن نظامی خود را در مقابل قدرت پهلادی و موشکی انصارالله افزایش دهد. با این همه، ابتکار عمل میدانی همچنان در اختیار انصارالله است. شلیک موشک های بالستیک نقطه زن به تاسیسات مهم نفتی و نظامی عربستان،



سامانه پیامکی روزنامه تعادل

مخاطبان عزیز می توانند نظر ها، انتقادات و پیشنهادهای خود در مورد مطالب مختلف روزنامه را با ذکر جزئیات به این سامانه پیامک نمایند.

به شماره ۳۲۰۵۳۰۰۰ در دسترس شماست

سامانه پیامکی روزنامه تعادل

مخاطبان عزیز می توانند نظر ها، انتقادات و پیشنهادهای خود در مورد مطالب مختلف روزنامه را با ذکر جزئیات به این سامانه پیامک نمایند.